

نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی عاطفه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و عدم تحمل بلاتکلیفی

The mediating role of mentalized affectivity in the relationship between attachment styles and intolerance of uncertainty

Sara Entezari

MSc in Clinical Psychology
Islamic Azad University
Science and Research Branch

Somayeh Robatmili, PhD

Faculty of Governance,
University of Tehran

سمیه رباط میلی*

استادیار دانشکده حکمرانی
دانشگاه تهران

سارا انتظاری

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی عاطفه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و عدم تحمل بلاتکلیفی در دانشجویان و روش پژوهش همبستگی با بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. ۴۵۲ نفر از دانشجویانی که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در استان تهران مشغول به تحصیل بودند مبتنی روش نمونه‌برداری در دسترس انتخاب شدند و مقیاس عدم تحمل بلاتکلیفی (فریستون، رثوم، لترته، دوگاس و لادوسر، ۱۹۹۴)، سیاهه دلبستگی بزرگسال (بشارت، ۲۰۱۳) و مقیاس ذهنی‌سازی عاطفه (گرینبرگ، کولاسی، هگستد، برکویتز و جوریست، ۲۰۱۷) را تکمیل کردند. تحلیل داده‌ها با روش مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد مدل ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. ذهنی‌سازی عاطفه رابطه بین دلبستگی ایمن با عدم تحمل بلاتکلیفی را به صورت منفی و رابطه بین سبک دلبستگی دوسوگرا با عدم تحمل بلاتکلیفی را به صورت مثبت معنادار واسطه‌گری کرد اما ضریب مسیر غیرمستقیم بین دلبستگی اجتنابی و عدم تحمل بلاتکلیفی معنادار نبود. بنابراین یافته‌ها از این ایده حمایت می‌کند که توان ذهنی‌سازی عاطفه دانشجویان بر افزایش تحمل آن‌ها در مقابل بلاتکلیفی اثر مطلوبی دارد و با توجه به کنش‌وری محافظتی ذهنی‌سازی عاطفه می‌توان برنامه‌های آموزشی یا درمانی مبتنی بر آن را برای این امر در نظر گرفت.

واژه‌های کلیدی: عدم تحمل بلاتکلیفی، سبک‌های دلبستگی، ذهنی‌سازی عاطفه

Abstract

This study aimed to investigate the mediating role of mentalized affectivity in the relationship between attachment styles and intolerance of uncertainty among university students. Research method was correlation based on structural equation modeling. 452 students who were studying in Tehran province in the academic year of 1400-1401 were selected through convenience sampling and filled out Intolerance of Uncertainty Scale (Freeston, Rhéaume, Letarte, Dugas & Ladouceur, 1994), Adult Attachment Inventory (Besharat, 2013) and Mentalized Affectivity Scale (Greenberg, Kolasi, Hegsted, Berkowitz & Jurist, 2017). SEM analysis showed that the structural model of the research fits the collected data. Mentalized affectivity mediates the relationship between secure attachment and intolerance of uncertainty negatively, and the relationship between ambivalent attachment style and intolerance of uncertainty positively, but the coefficient of the indirect path between avoidant attachment and intolerance of uncertainty was not significant. Therefore, findings support the idea that students' capacity to mentalize affectivity has a positive effect on their tolerance of uncertainty and considering the protective function of mentalized affectivity, it is possible to consider educational or therapeutic programs based on it for this

Keywords: intolerance of uncertainty, attachment styles, mentalized affectivity

received: 24 June 2023

accepted: 31 March 2024

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۲

*Contact information: somayemili@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی است.

مقدمه

عدم تحمل بلاتکلیفی^۱ یکی از عواملی است که با انگیزه یادگیری از راه دور و فراوانی حضور در آموزش از راه دور رابطه منفی معنادار دارد (گوکسو و دیگران، ۲۰۲۱) و خودکارآمدی تحصیلی^۲ دانشجویان را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند (اوزون و کاراتاش، ۲۰۲۰). از طرفی عدم تحمل بلاتکلیفی تأثیر معناداری بر بهزیستی روانی^۳ دارد (باولار و دیگران، ۲۰۲۳؛ ساتیچی و دیگران، ۲۰۲۰) و پیش‌بینی‌کننده پریشانی روانی^۴ است (رتی و دنیلز، ۲۰۲۱). فریستون و دیگران (۱۹۹۴) برای اولین بار عدم تحمل بلاتکلیفی را به عنوان سازه‌ای که نشان‌دهنده واکنش‌های شناختی، هیجانی و رفتاری فرد به بلاتکلیفی در موقعیت‌های زندگی روزمره است تعریف کردند. به گفته بوهر و دوگاس (۲۰۰۲) برای افرادی که نمی‌توانند بلاتکلیفی را تحمل کنند بلاتکلیفی تنیدگی‌زا و ناراحت‌کننده است و منجر به ناتوانی در عمل می‌شود چرا که رویدادهای بلاتکلیف منفی است و باید از آن اجتناب کرد. همچنین آستانه پایین تحمل بلاتکلیفی منجر به مختل شدن کنش‌وری در امور بلاتکلیف می‌شود، زیرا فرد هنگام مواجهه با موقعیت‌های بلاتکلیف آن را به شیوه‌ای منفی و تهدیدآمیز تفسیر می‌کند. کارلتون (۲۰۱۶) نیز عدم تحمل بلاتکلیفی را ناتوانی ذاتی فرد در تحمل پاسخ منفی ناشی از فقدان اطلاعات مهم، کلیدی یا کافی می‌داند که توسط ادراک فرد از بلاتکلیفی تداوم می‌یابد. ترس از ناشناخته با عدم تحمل بلاتکلیفی و مدل‌های معاصر هیجان، دلبستگی و روان‌آزردگی مرتبط است (کارلتون، ۲۰۱۶). نتایج پژوهش‌ها نیز حاکی از آن است که سبک‌های دلبستگی ناایمن (دوسوگرا^۵ و اجتنابی^۶) با عدم تحمل بلاتکلیفی رابطه مثبت معنادار دارند (الفاسی، ۲۰۲۲؛ رایت و دیگران، ۲۰۱۷؛ زدبیک، ماس و بیورو، ۲۰۱۷). در واقع افراد دلبسته

ناایمن بیش از افراد ایمن اطلاعات یا موقعیت‌های مبهم را تهدیدکننده، خصمانه یا منفی پردازش یا تفسیر می‌کنند (زدبیک و دیگران، ۲۰۱۷). در مقابل افراد دلبسته ایمن از راهبردهای مقابله‌ای سازنده‌تر و مؤثرتری برخوردارند (شیور و میکالینسر، ۲۰۰۵؛ میکالینسر و شیور، ۲۰۱۹).

بالبی (۱۹۶۹) دلبستگی را پیوند عاطفی پایدار بین کودک و مادر یا مراقب می‌داند. روابط دلبستگی در دوران نوزادی و کودکی با مراقب شکل می‌گیرد و در حفظ بقا نقش بنیادین دارد. کودک مدل‌های بازنمایی شده از تعاملاتش با مادر یا مراقب و تأثیرات مرتبط با آن را بازآفرینی می‌کند که بالبی آن را مدل‌های کاری درونی^۷ نامید. این مدل‌ها که نحوه تعامل چهره دلبستگی^۸ با کودک را در موقعیت‌های دلبستگی‌محور قابل پیش‌بینی می‌کنند، در آغاز انعطاف‌پذیرند اما با پیشرفت فرایند تحول شدیداً باثبات و تغییرناپذیر می‌شوند (بالبی، ۱۹۶۹). مدل‌های کاری درونی حاوی انتظارات و باورهایی در مورد رفتار خود و دیگران، احساس دوست‌داشتنی بودن، شایستگی و مقبولیت خود، در دسترس بودن عاطفی و علاقه دیگران و توانایی آن‌ها در محافظت از فرد است (هاو و دیگران، ۱۹۹۹). در این راستا پژوهش‌ها نشان می‌دهد افراد دلبسته ناایمن در مقایسه با ایمن، سطوح پایین‌تری از عواطف مثبت را تجربه کرده و در مدیریت تنیدگی، اضطراب، افسردگی و سایر عواطف منفی ناتوانی نشان می‌دهند (بشارت، ۲۰۱۰؛ هسه و فلوید، ۲۰۱۱ نقل از بشارت و فرهنگند، ۲۰۱۷). از طرفی دلبستگی از نظر فرایندهای تنظیمی مجدداً فرمول‌بندی شده است و تصور می‌شود کنش‌وریه‌های کلیدی خودنظم‌جویی^۹ از جمله تنظیم پاسخ به تنیدگی، تنظیم توجه و ذهنی‌سازی^{۱۰} نقش واسطه‌ای بر مسیر تجربیات دوران نوزادی و بازنمایی آن‌ها تا کنش‌وری انطباقی در بزرگسالی دارند. در این بین ذهنی‌سازی به ویژه

- 1 - intolerance of uncertainty
- 2 - academic self-efficacy
- 3 - psychological wellbeing
- 4 - psychological distress
- 5 - ambivalent

- 6 - avoidant
- 7 - internal working models
- 8 - attachment figure
- 9 - self-regulation
- 10 - mentalization

ذهنی‌سازی عاطفه^۱ ابزار قدرتمندی است که پلی بین نظریهٔ دلبستگی، آسیب‌شناسی روانی تحول، تنظیم عاطفه و روان‌تحلیل‌گری است (فوناگی و تارگت، ۲۰۰۲). در بستر رابطهٔ دلبستگی حالت‌های ذهنی^۲ و درونی کودک توسط فرد همدل دیگر تجربه و تفسیر شده و آینه‌وار به او بازمی‌گردد. کودک با قرار گرفتن در فضای اجتماعی-فرهنگی ایمنی که در آن افراد یکدیگر را حمایت می‌کنند، ظرفیت و توانایی ذهن‌خوانی را کسب می‌کند (کارتروود و دیگران، ۲۰۱۰). نقل از کارتروود، ۲۰۱۵). رابطهٔ مراقب-نوزاد نزدیک، گرم و هماهنگ امکان ایجاد دلبستگی ایمن و بستر آرمانی برای پرورش ذهنی‌سازی بهینه را فراهم می‌کند، در حالی که حساس و پاسخگو نبودن مراقب نسبت به نیاز کودک به حمایت باعث شگل‌گیری دلبستگی ناایمن و مانع گسترش ذهنی‌سازی می‌شود (فوناگی و دیگران، ۲۰۰۲). پژوهش‌های متعددی این روابط را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند افراد دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن از توان ذهنی‌سازی پایین‌تری برخوردارند و نسبت به شرایط تنیدگی‌زا آسیب‌پذیرترند (پارادا-فرناندز و دیگران، ۲۰۲۱؛ صفری موسوی، صادقی و سپهوندی، ۲۰۲۲)، هرچند برخی از نتایج نشان می‌دهد رابطهٔ منفی بین دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی با ذهنی‌سازی (دروگر، فتحی‌آشتیانی و اشرفی، ۲۰۲۰؛ سانتورو و دیگران، ۲۰۲۱) و همچنین مشکل در نظم‌جویی هیجان (دروگر و دیگران، ۲۰۲۰؛ نیلسن و دیگران، ۲۰۱۷) نیرومندتر است.

3 - resilience
4 - broaden and build cycles

روی احتمالات جدید و ایجاد منابع شخصی) امنیت دلبستگی مرتبط است (فردریکسون، ۲۰۰۱ نقل از بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۶). این راهبردها به شکل‌گیری احساس دلبستگی ایمن، عاملیت^۱، تنظیم عواطف و هدایت فرد به محیطی متفاوت و انطباقی‌تر کمک می‌کنند (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۷ نقل از بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۶). بنابراین، سطوح بالای ذهنی‌سازی معمولاً با توانایی در نظر گرفتن دیدگاه‌های متفاوت در شرایط سخت و نامساعد مرتبط است. علاوه بر این افرادی که از ذهنی‌سازی نیرومندی برخوردارند، می‌توانند با برقراری روابط مناسب با اشخاص مراقب یا یاری‌رسان (هاوزر و دیگران، ۲۰۰۶ نقل از بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۶) و به کمک هم‌تنظیمی^۲ با آن‌ها با تنیدگی و شرایط سخت مقابله کنند (لوپتن و دیگران، ۲۰۱۵ نقل از بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۶). بنابراین مسئله اصلی این پژوهش بررسی مدل ساختاری بود که در آن فرض شده سبک‌های دلبستگی از طریق ذهنی‌سازی عاطفه با عدم تحمل بلاتکلیفی در دانشجویان رابطه دارد.

روش

این پژوهش از نوع همبستگی مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری و جامعه آماری دانشجویان مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در استان تهران بود. برای گردآوری داده‌ها ابزارهای خودگزارش‌دهی در پلتفرم گوگل-داکز ایجاد شد و لینک آن در گروه‌های واتس‌آپ، تلگرام و صفحه‌های اینستاگرام دانشجویی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. طبق نظر کلاین (۲۰۱۶) برای مدل معادلات ساختاری به ازای هر نشانگر ۱۰ نمونه حجم نمونه پایین و به ازای هر نشانگر ۲۰ نمونه حجم نمونه مناسب است. این پژوهش ۹ نشانگر داشت و ۱۸۰ نفر کافی بود اما برای افزایش روایی و با در نظر گرفتن احتمال ریزش تعداد ۴۵۲ نفر (۳۳۴ زن و ۱۱۸ مرد) در نظر گرفته شد که همگی

دانشجویان مشغول به تحصیل بالای ۱۸ سال بودند؛ ۱۳۶ نفر (۳۰/۱ درصد) کمتر از ۲۲ سال، ۱۱۲ نفر (۲۴/۸ درصد) ۲۳ تا ۲۷ سال، ۵۵ نفر (۱۲/۲ درصد) ۲۸ تا ۳۲ سال، ۶۰ نفر (۱۳/۳ درصد) ۳۳ تا ۳۷ سال و ۸۹ نفر (۱۹/۷ درصد) بیشتر از ۳۸ سال داشتند. ۲۰ نفر (۴/۴ درصد) در مقطع کاردانی، ۲۲۶ نفر (۵۰ درصد) کارشناسی، ۱۷۶ نفر (۳۸/۹ درصد) کارشناسی ارشد و ۳۰ نفر (۶/۶ درصد) دانشجوی دکتری مشغول به تحصیل بودند. ۳۲۵ نفر (۷۱/۹ درصد) مجرد و ۱۲۷ نفر (۲۸/۱ درصد) متأهل بودند.

در متن دعوت توضیح داده شد که پرسشنامه پیش رو جهت انجام پژوهشی دانشگاهی در حوزه روان‌شناسی است، شرکت در آن داوطلبانه است و پاسخ‌ها محرمانه باقی خواهد ماند. در ابتدای هر ابزار هم توضیح مختصری درباره اهداف آن ارائه شد.

مقیاس عدم تحمل بلاتکلیفی^۳ (فریستون

و دیگران، ۱۹۹۴). یک ابزار خودگزارش‌دهی است که تحمل افراد در موقعیت‌های بلاتکلیف و حاکی از ابهام را می‌سنجد. این مقیاس ۲۷ ماده‌ای در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً غلط=۱ تا کاملاً درست=۵) نمره‌گذاری می‌شود. سکستون و دوگاس (۲۰۰۹) برای این مقیاس دو زیرمقیاس شناسایی کردند: «بلاتکلیفی، تلویحات خودارجاعی و رفتار منفی دارد» و «بلاتکلیفی، غیرمنصفانه است و همه چیز را تباه می‌کند»^۴. هرچند عدم تحمل بلاتکلیفی را می‌توان به صورت تک‌عاملی نیز ارزیابی کرد. در پژوهش فریستون و دیگران (۱۹۹۴) همسانی درونی نسخه اولیه ۰/۹۱ و ضریب اعتبار بازآزمایی آن در فاصله چهار هفته‌ای ۰/۷۸ به‌دست آمد. بوهر و دوگاس (۲۰۰۲) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس را ۰/۹۴ و اعتبار بازآزمایی آن را در فاصله پنج هفته‌ای ۰/۷۴ گزارش کردند. در پژوهش صادقی و دیگران (۲۰۲۲) نیز همسانی درونی کل مقیاس ۰/۹۲ گزارش شده است. در این پژوهش ضرایب آلفا برای زیرمقیاس‌های

1 - sense of agency

2 - co-regulation

3 - Intolerance of Uncertainty Scale (IUS)

4 - uncertainty has negative behavioural and self-referent implications

5 - uncertainty is unfair and spoils everything

است ۶۰ ماده و سه زیرمقیاس (شناخت هیجان‌ها^۱، پردازش هیجان‌ها^۲ و ابراز هیجان‌ها^۳) دارد که بر روی طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۷) پاسخ داده می‌شود و در مجموع توانایی ذهنی‌سازی عاطفه را می‌سنجد. ضریب آلفای کرونباخ هر یک از سه بُعد شناخت، پردازش و ابراز به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۰ و ۰/۸۸ گزارش شده است. روایی همگرا توسط همبستگی هر یک از ابعاد با نمره کل هوش هیجانی و نمرات جزئی (همدلی شناختی، مهارت‌های اجتماعی و واکنش‌پذیری هیجانی) ارزیابی و میزان همبستگی هر یک از سه بُعد شناخت، پردازش و ابراز با نمره کلی هوش هیجانی به ترتیب ۰/۳۵، ۰/۳۷ و ۰/۱۵ گزارش شده است. نسخه فارسی این مقیاس ۵۴ ماده و چهار زیرمقیاس دارد. تحلیل عاملی تأییدی مطلوب بودن مدل را نشان داد و ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۳ گزارش شد (سیارفرد، آزادفلاح و فراهانی، ۲۰۲۱). در این پژوهش اعتبار این مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ برای هر یک از چهار زیرمقیاس شناخت، پردازش، ردیابی و ابراز هیجان به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۹، ۰/۶۷ و ۰/۷۹ به دست آمد.

یافته‌ها

در جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین سبک‌های دلبستگی (اجتنابی، ایمن و دوسوگرا) و ذهنی‌سازی عاطفه (شناخت هیجان، پردازش هیجان، ردیابی هیجان و ابراز هیجان) و عدم تحمل بلاتکلیفی (تلویحات خودارجاعی و غیرمنصفانه/تباهی) آمده است.

«بلاتکلیفی تلویحات خودارجاعی و رفتار منفی دارد» و «بلاتکلیفی غیرمنصفانه است و همه چیز را تباه می‌کند» ۰/۸۷ و ۰/۸۲ به دست آمد.

سیاهه دلبستگی بزرگسال^۱ (بشارت،

۲۰۱۳). این سیاهه که با استفاده از ماده‌های آزمون دلبستگی هازان و شیور (۱۹۸۷) ساخته شده یک ابزار خودگزارش‌دهی ۱۵ ماده‌ای است که سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در طیف ۵ درجه‌ای (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵) می‌سنجد و بر پایه تعمیم توصیف‌های اینشورث و دیگران (۱۹۸۷) از طبقه‌بندی‌های دلبستگی نوزادان و تبدیل آن‌ها متناسب با روابط بزرگسالان تهیه شده است. ضرایب آلفای کرونباخ سیاهه برای زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب برابر ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۸ و اعتبار بازآزمایی زیرمقیاس‌های آن با فاصله چهار هفته‌ای به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۷۴ گزارش شد (بشارت، ۲۰۰۵، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳). نوریان، پاکدامن و میرزایی (۲۰۲۲) نیز در پژوهش خود ضرایب آلفای کرونباخ سیاهه را برای زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب برابر ۰/۵۲، ۰/۷۳ و ۰/۷۰ و در این پژوهش اعتبار آن بر اساس آلفای کرونباخ برای هر یک از سه زیرمقیاس ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب برابر ۰/۷۱، ۰/۶۶ و ۰/۶۸ به دست آمد.

مقیاس ذهنی‌سازی عاطفه^۲ (گرینبرگ

و دیگران، ۲۰۱۷). این مقیاس که بر اساس مدل ذهنی‌سازی عاطفه جوریست (۲۰۰۵) ساخته شده

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	<i>M</i>	<i>SD</i>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. سبک دلبستگی - اجتنابی	۱۱/۶۳	۳/۲۲	-							
۲. سبک دلبستگی - ایمن	۱۳/۳۸	۳/۱۹	-۰/۳۹**	-						
۳. سبک دلبستگی - دوسوگرا	۱۱/۲۵	۲/۸۷	۰/۳۵**	-۰/۵۴**	-					
۴. ذهنی‌سازی عاطفه - شناخت هیجان	۸۹/۷۱	۱۳/۸۴	-۰/۱۰*	۰/۲۹**	-۰/۳۰**	-				
۵. ذهنی‌سازی عاطفه - پردازش هیجان	۶۰/۱۳	۱۱/۲۲	-۰/۱۶**	۰/۳۴**	-۰/۴۱**	۰/۷۱**	-			
۶. ذهنی‌سازی عاطفه - ردیابی هیجان	۴۷/۲۳	۸/۷۰	-۰/۱۶**	۰/۳۰**	-۰/۳۶**	۰/۶۹**	۰/۷۲**	-		
۷. ذهنی‌سازی عاطفه - ابراز هیجان	۶۰/۰۰	۱۰/۸۹	-۰/۱۴**	۰/۲۹**	-۰/۳۱**	۰/۷۰**	۰/۶۵**	۰/۷۵**	-	
۸. عدم تحمل بلاتکلیفی - تلویحات خودارجاعی	۴۳/۹۴	۹/۸۲	۰/۳۰**	-۰/۴۸**	۰/۴۶**	-۰/۳۷**	-۰/۴۱**	-۰/۴۰**	-۰/۳۶**	-
۹. عدم تحمل بلاتکلیفی - غیر منصفانه/تباهی	۳۵/۱۴	۷/۵۲	۰/۳۲**	-۰/۴۵**	۰/۴۷**	-۰/۳۲**	-۰/۳۶**	-۰/۳۲**	-۰/۳۹**	۰/۷۸**

** $P < 0.05$ * $P < 0.01$

نرمال‌بودن توزیع داده‌های چندمتغیری، از تحلیل اطلاعات مربوط به «فاصله مهلبوبایس^۳» استفاده شد. مقادیر چولگی و کشیدگی اطلاعات مربوط به فاصله مهلبوبایس به‌ترتیب برابر با ۱/۳۱ و ۱/۶۲ به‌دست آمد که بیانگر برقراری مفروضه نرمال‌بودن توزیع داده‌های چندمتغیری بود. برای ارزیابی مفروضه همگنی واریانس‌ها نمودار پراکندگی واریانس‌های استانداردشده خطاها^۴ بررسی شد و نتایج نشان داد آن مفروضه نیز در بین داده‌ها برقرار است.

در این پژوهش متغیرهای ذهنی‌سازی عاطفه و عدم تحمل بلاتکلیفی مکنون بودند (شکل ۱) و مدل اندازه‌گیری را شکل دادند. چنین فرض شده بود که متغیر مکنون ذهنی‌سازی عاطفه به وسیله نشانگرهای شناخت هیجان، پردازش هیجان، ردیابی هیجان و ابراز هیجان و متغیر مکنون عدم تحمل بلاتکلیفی به‌وسیله نشانگرهای تلویحات خودارجاعی و غیرمنصفانه/تباهی سنجیده می‌شود. چگونگی برآزش مدل اندازه‌گیری پژوهش به وسیله تحلیل عاملی

جدول ۱ نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرها در جهت مورد انتظار و منطبق بر نظریه‌های حوزه پژوهش بود. در ادامه به منظور ارزیابی نرمال‌بودن توزیع داده‌های تک‌متغیری، کشیدگی و چولگی تک تک متغیرها و ارزیابی مفروضه همخطی بودن مقادیر عامل تورم واریانس^۱ و ضریب تحمل^۲ بررسی شد. نتایج نشان داد مقادیر کشیدگی و چولگی همه مؤلفه‌ها در محدوده ± 2 قرار دارد. این یافته بیانگر آن است که مفروضه نرمال‌بودن توزیع داده‌های تک‌متغیری در بین داده‌ها برقرار است (کالاین، ۲۰۱۶). همچنین مقادیر ضریب تحمل متغیرهای پیش‌بین بزرگتر از ۰/۱ و عامل تورم واریانس هر یک از آن‌ها کوچکتر از ۱۰ به‌دست آمد. بنابراین می‌توان گفت مفروضه همخطی بودن نیز در بین داده‌های پژوهش برقرار بود. طبق دیدگاه میرز، گامست و گوآرین (۲۰۰۶) ضریب تحمل کمتر از ۰/۱ و ارزش عامل تورم واریانس بالاتر از ۱۰ نشان‌دهنده عدم برقراری مفروضه همخطی بودن است. به منظور ارزیابی برقراری یا عدم برقراری مفروضه

1 - Variance Inflation Factor (VIF)

2 - tolerance

3 - Mahalanobis distance (D)

4 - standardized residuals

بار عاملی متعلق به نشانگر غیرمنصفانه/تباهی ($\beta=0/966$) و کوچکترین بار عاملی متعلق به نشانگر تلویحات خودارجاعی ($\beta=0/815$) است. بدین ترتیب بارهای عاملی همه نشانگرها بزرگتر از $0/32$ بود و همه آنها از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون برخوردار بودند.

پس از اطمینان از برآزش مطلوب مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری‌شده، در مرحله بعد شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری (شکل ۱) برآورد و ارزیابی شد. چگونگی برآزش مدل ساختاری با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت و نتایج نشان داد که مدل ساختاری با داده‌های گردآوری‌شده برآزش قابل قبول دارد (خی دو) (درجه آزادی = ۲۰، حجم نمونه = ۴۵۲) $44/17$ ، خی دو بهنجار = $2/21$ ، شاخص برازندگی تطبیقی = $0/989$ ، شاخص برازندگی = $0/979$ ، شاخص برازندگی تعدیل‌یافته = $0/953$ و ریشه دوم واریانس خطای تقریب = $0/052$). جدول ۳ ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

تأییدی و برآورد بیشینه احتمال^۱ ارزیابی شد. جدول ۲ شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

جدول ۲

شاخص‌های برآزش مدل اندازه‌گیری

شاخص‌های برازندگی	مدل اندازه‌گیری	نقطه برش
خی دو	۲۴/۵۰	-
درجه آزادی مدل	۸	-
χ^2/df	۳/۰۶	کمتر از ۳
GFI	۰/۹۸۳	$0/90 >$
AGFI	۰/۹۵۵	$0/850 >$
CFI	۰/۹۹۰	$0/90 >$
RMSEA	۰/۰۶۸	$0/08 <$

جدول ۲ نشان می‌دهد همه شاخص‌های برازندگی از برآزش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری‌شده حمایت می‌کنند (خی دو بهنجار = $3/06$ ، شاخص برازندگی تطبیقی = $0/990$ ، شاخص برازندگی = $0/983$ ، شاخص برازندگی تعدیل‌یافته = $0/955$ و ریشه دوم واریانس خطای تقریب = $0/068$). در مدل اندازه‌گیری بزرگترین

جدول ۳

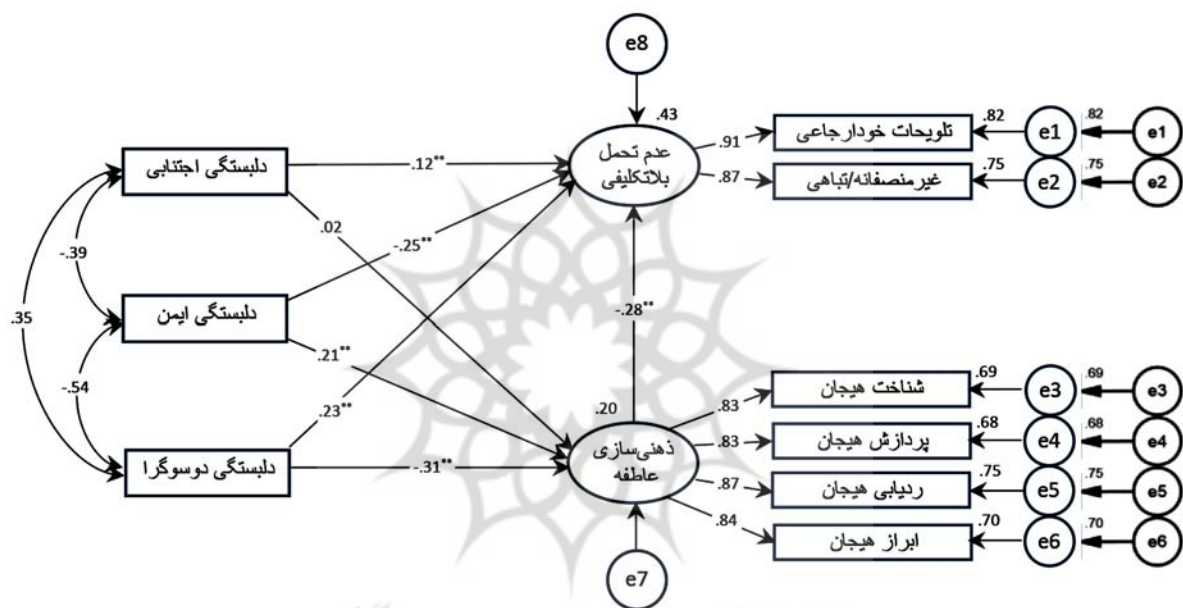
ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل پژوهش

مسیر	متغیرها	b	S.E	β	sig
مستقیم	دلبستگی ایمن $\leftarrow$ ذهنی‌سازی عاطفه	۰/۷۳۹	۰/۲۲۲	۰/۲۰۵	۰/۰۰۱
	دلبستگی دوسوگرا $\leftarrow$ ذهنی‌سازی عاطفه	-۱/۲۲۷	۰/۲۴۶	-۰/۳۰۷	۰/۰۰۱
	دلبستگی اجتنابی $\leftarrow$ ذهنی‌سازی عاطفه	۰/۱۰۷	۰/۲۸۴	۰/۰۲۱	۰/۶۸۷
	ذهنی‌سازی عاطفه $\leftarrow$ عدم تحمل بلا تکلیفی	-۰/۲۴۲	۰/۰۵۲	-۰/۲۸۱	۰/۰۰۱
	دلبستگی ایمن $\leftarrow$ عدم تحمل بلا تکلیفی	-۰/۷۷۷	۰/۱۸۱	-۰/۲۵۰	۰/۰۰۱
	دلبستگی دوسوگرا $\leftarrow$ عدم تحمل بلا تکلیفی	۰/۷۹۱	۰/۲۰۳	۰/۲۲۹	۰/۰۰۱
	دلبستگی اجتنابی $\leftarrow$ عدم تحمل بلا تکلیفی	۰/۵۴۶	۰/۲۰۱	۰/۱۲۲	۰/۰۰۶
غیر مستقیم	دلبستگی ایمن $\leftarrow$ عدم تحمل بلا تکلیفی	-۰/۱۷۹	۰/۰۶۸	-۰/۰۵۸	۰/۰۰۱
	دلبستگی دوسوگرا $\leftarrow$ عدم تحمل بلا تکلیفی	۰/۲۹۷	۰/۰۸۷	۰/۰۸۶	۰/۰۰۱
	دلبستگی اجتنابی $\leftarrow$ عدم تحمل بلا تکلیفی	-۰/۰۲۶	۰/۰۷۱	-۰/۰۰۶	۰/۶۳۱
کل	دلبستگی ایمن $\leftarrow$ عدم تحمل بلا تکلیفی	-۰/۹۵۶	۰/۱۸۴	-۰/۳۰۸	۰/۰۰۱
	دلبستگی دوسوگرا $\leftarrow$ عدم تحمل بلا تکلیفی	۱/۰۸۸	۰/۱۹۱	۰/۳۱۶	۰/۰۰۱
	دلبستگی اجتنابی $\leftarrow$ عدم تحمل بلا تکلیفی	۰/۵۲۰	۰/۲۰۷	۰/۱۱۷	۰/۰۰۸

- 1 - Maximum Likelihood estimation (ML)
- 2 - normed chi-square
- 3 - Comparative Fit Index(CFI)

- 4 - Goodness of Fit Index(GFI)
- 5 - Adjusted Goodness of Fit Index(AGFI)
- 6 - Root Mean Square Error of Approximation(RMSA)

بر اساس نتایج جدول ۳ ضریب مسیر کل بین سبک دلبستگی ایمن با عدم تحمل بلا تکلیفی ($\beta = -0.308, P < 0.001$) منفی و ضریب مسیر کل بین سبک دلبستگی دوسوگرا ($\beta = 0.316, P < 0.001$) با سبک دلبستگی اجتنابی ($\beta = 0.117, P < 0.008$) با عدم تحمل بلا تکلیفی مثبت معنادار بود. ضریب مسیر بین ذهنی‌سازی عاطفه با عدم تحمل بلا تکلیفی ($\beta = -0.281, P < 0.01$) نیز منفی معنادار بود. جدول ۳ نشان می‌دهد ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک دلبستگی ایمن با عدم تحمل بلا تکلیفی را به صورت مثبت و معنادار واسطه‌گری می‌کند. شکل ۱ مدل ساختاری پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. برآورد استاندارد مدل ساختاری پژوهش

شکل ۱ نشان می‌دهد که مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه برای متغیر عدم تحمل بلا تکلیفی برابر با ۰/۴۳ به دست آمده است. این موضوع بیانگر آن است که سبک‌های دلبستگی و ذهنی‌سازی عاطفه در مجموع ۴۳ درصد از واریانس عدم تحمل بلا تکلیفی را در دانشجویان تبیین می‌کند.

بحث

نتایج پژوهش نشان داد ذهنی‌سازی عاطفه رابطه بین دلبستگی ایمن با عدم تحمل بلا تکلیفی را به صورت منفی و رابطه بین سبک دلبستگی دوسوگرا با عدم تحمل بلا تکلیفی را به صورت مثبت معنادار واسطه‌گری می‌کند. مدل‌های پیشین با بررسی نقش محافظتی ذهنی‌سازی (دروگر و

دیگران، ۲۰۲۰) از این نتایج حمایت می‌کنند. اما ضریب مسیر غیرمستقیم بین دلبستگی اجتنابی و عدم تحمل بلا تکلیفی معنادار نبود. همسو با این یافته نتایج پژوهش نیلسن و دیگران (۲۰۱۷) نیز نشان داد دلبستگی اضطرابی (دوسوگرا) و نه اجتنابی با مشکل در نظم‌جویی هیجان و علائم اضطراب مرتبط است. اما نتایج پژوهش‌های پارادا-فرناندز و دیگران (۲۰۲۱) و صفری موسوی، صادقی و سپهوندی (۲۰۲۲) در خصوص سبک دلبستگی اجتنابی با این نتایج همسو نیست. هم‌چنین یافته‌ها با پژوهش‌های الفاسی (۲۰۲۲)، اوئلت و دیگران (۲۰۱۹)، رایت و دیگران (۲۰۱۷)، زدییک و دیگران (۲۰۱۷) و صاحب و دیگران (۲۰۲۳) همسو است.

همان‌طور که بیان شد نتایج نشان داد ذهنی‌سازی عاطفه رابطه بین دلبستگی ایمن با عدم تحمل بلا تکلیفی را به صورت منفی معنادار واسطه‌گری می‌کند. در مواجهه با محرک «آرزوهای» مربوط به نزدیکی جویی به چهره دلبستگی به‌طور ناهشیار برانگیخته شده و بازنمایی‌های شناختی فرد در خصوص چهره دلبستگی برای پردازش اطلاعات در دسترس حافظه قرار می‌گیرد و می‌تواند حتی قبل از تجربه هشیارانه، احوالات ذهنی فرد را شکل داده و رفتارهای او را تحت تأثیر قرار دهد (شیور و میکالینسر، ۲۰۰۵). افراد با راهبردهای دلبستگی ایمن به توانایی خود برای مقابله با تهدیدها اطمینان بیشتری دارند (میکالینسر و شیور، ۲۰۱۹). از طرفی طبق مدل تعویض کنش‌وری خوب در ذهنی‌سازی شامل توانایی تغییر انعطاف‌پذیر و کارآمد از ذهنی‌سازی خودکار به کنترل‌شده است، در این افراد آستانه تعویض بالا و قدرت پاسخ خودکار متوسط است، بنابراین حتی در شرایط تنیدگی‌زا می‌توانند ذهنی‌سازی را حفظ و در صورت از کار افتادن فرایند با سرعت خوبی آن را بازیابی کنند (بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۶) و در نتیجه ارزیابی مثبت محرک بالقوه نامطلوب تاب‌آوری افزایش می‌یابد (کالیش و دیگران، ۲۰۱۵ نقل از شوارتز و دیگران، ۲۰۲۱).

همچنین ذهنی‌سازی عاطفه رابطه بین سبک دلبستگی دوسوگرا با عدم تحمل بلا تکلیفی را به صورت مثبت معنادار واسطه‌گری می‌کند. ظرفیت تحمل بلا تکلیفی به نحوه تعامل و واکنش هیجانی نسبت به ناشناخته‌های ادراک شده بستگی دارد. اگر فرد تحمل پاسخ منفی ناشی از فقدان اطلاعات مهم، کلیدی یا کافی را نداشته باشد در مواجهه با بلا تکلیفی واکنش هیجانی منفی نشان می‌دهد (کارلتون، ۲۰۱۶). در دلبستگی ناایمن-دوسوگرا با هدف مجاورت‌جویی و بیش فعال کردن نیاز دلبستگی روی هیجانات منفی تمرکز و اغراق می‌شود (میکالینسر و شیور، ۲۰۱۹). بنابراین تهدیدها بیش از حد جدی تلقی شده و بر احساس درماندگی و آسیب‌پذیری تأکید

می‌شود (کسیدی و برلین، ۱۹۹۴ نقل از میکالینسر و شیور، ۲۰۱۹). در این مسیر آستانه تعویض در این افراد پایین است، سریع‌تر به ذهنی‌سازی خودکار روی می‌آورند و بازیابی ذهنی‌سازی کنترل‌شده زمان بیشتری می‌برد (بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۶). اگر فرد از ذهنی‌سازی بهتری برخوردار باشد می‌تواند در احوالات درونی خود تأمل کند، هیجانات خود را شناخته و پردازش کند و با ابراز مناسب آن‌ها تعاملات خوبی با دیگران و محیط انجام دهد، از جمله پسخوراند گرفتن و تجربه دیدگاهی جدید و مثبت که موجب استفاده از راهکارهای کارآمدتر می‌شود (گرینبرگ و دیگران، ۲۰۱۷). اما در دلبستگی ناایمن-اجتنابی هر حالت هیجانی سازش‌نیافته با هدف غیرفعال نگه داشتن نیاز و میل دلبستگی، مسدود یا مهار می‌شود (میکالینسر و شیور، ۲۰۱۹). این تلاش‌های بازدارنده به ترس، اضطراب، خشم، اندوه، شرم، گناه و پریشانی می‌انجامد، زیرا این حالات هیجانی با تهدید و احساس آسیب‌پذیری مرتبط‌اند (کسیدی، ۱۹۹۴ نقل از میکالینسر و شیور، ۲۰۱۹). در این مسیر آستانه تعویض در این افراد تقریباً بالا است، دیرتر به ذهنی‌سازی خودکار روی می‌آورند و بازیابی ذهنی‌سازی کنترل‌شده نسبتاً سریع است ولی گرایش به تنظیم بیش از حد دارند و تحت تنیدگی فزاینده ذهنی‌سازی با مشکل مواجه می‌شود (بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۶). در تنظیم بیش از حد هیجان از دو روش «اجتناب از برخی تجربیات هیجانی» و «سرکوب ابراز هیجانات» برای متوقف ساختن تجربه هیجانی استفاده می‌شود (گرینبرگ و بولگر، ۲۰۰۱) پس احتمال دارد افراد اجتنابی مشکلات خود در نظم‌جویی هیجان یا علائم اضطراب را کمتر گزارش کنند که تا حدی این عدم معناداری را تبیین می‌کند (نیلسن و دیگران، ۲۰۱۷).

در نهایت برای تبیین مدل مفهومی پژوهش می‌توان گفت بلا تکلیفی و برانگیختگی هیجانی باعث می‌شود همزمان با راه‌اندازی نظام دلبستگی، ذهنی‌سازی خودکار (که در آن احوالات ذهنی

معمولاً بیش از حد ساده‌انگارانه است) فعال شده و دستگاه‌های عصبی مرتبط با ذهنی‌سازی کنترل‌شده (که کمک می‌کند فرایند ذهنی‌سازی جزء به جزء و کند شده و تأمل و توجه بیشتر شود) مهار شوند (نولت و دیگران، ۲۰۱۳ نقل از بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۶). فرد با توجه به راهبرد دلبستگی خود یا روشی برای دفع اضطراب ایجاد می‌کند یا راه‌های جایگزینی را پیدا می‌کند که بتواند چهره دلبستگی را به لحاظ روانی حفظ کند. این راهبردها رفتار فرد را پیش‌بینی و هدایت می‌کند (هاو و دیگران، ۱۹۹۹). در این مسیر ذهنی‌سازی عاطفه به آگاهی فرد از هیجانات خود و چگونگی پیش‌بینی آینده کمک می‌کند. عواطفی که در سطح بدنی فعال و برانگیخته شده و هنوز پردازش نشده‌اند با کلمات و تصاویر که در سطح ذهنی است ارتباط داده می‌شوند و با بسط کلامی عواطف که همان افزودن و سازماندهی این بازنمایی‌هاست تحمل عاطفه افزایش می‌یابد (بوچارد و دیگران، ۲۰۰۸). همچنین ارزیابی معنای تجارب گذشته به فرد کمک می‌کند تا به درک بهتری از هیجانات حال حاضر خود دست یابد. بینش و ظرفیت جدید ایجادشده به فرد امید و احساس عاملیتی می‌دهد که با وجود تجارب گذشته و تأثیرات آن، هر اتفاقی رخ دهد راه‌هایی برای درک و مقابله با آن خواهد داشت (جوریست، ۲۰۱۸). در مجموع این پژوهش نشان داد ذهنی‌سازی عاطفه نقش واسطه‌ای قابل توجهی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و عدم تحمل بلا تکلیفی دانشجویان دارد.

در این پژوهش به دلیل شرایط همه‌گیری کووید ۱۹ و عدم دسترسی به ارزیاب آموزش‌دیده از پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی استفاده شد و امکان انجام مصاحبه برای بالاتر بردن دقت نتایج وجود نداشت. همچنین استفاده از روش نمونه‌برداری در دسترس می‌تواند تعمیم یافته‌های این پژوهش را با محدودیت مواجه کند. نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی عاطفه در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و عدم تحمل بلا تکلیفی تأیید نشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود

سایر عوامل احتمالی دخیل بر رابطه این متغیرها به مدل اضافه و مدل جدید آزمون شود. نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی عاطفه در رابطه بین سبک دلبستگی دوسوگرا و عدم تحمل بلا تکلیفی تأیید شد، بنابراین پیشنهاد می‌شود اثربخشی پروتکل درمانی مبتنی بر ذهنی‌سازی عاطفه بر عدم تحمل بلا تکلیفی در اختلالاتی که با این سبک همبسته است آزمون شود. همچنین پیشنهاد می‌شود از بسته‌های آموزشی یا درمانی جهت تقویت توان ذهنی‌سازی عاطفه دانشجویان در دانشگاه‌ها استفاده شود.

منابع

- Ainsworth, M. D., Salter, B., Mary C., Waters, E., & Wall, S. N. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the Strange Situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Alfasi, Y. (2022). We only know that we don't know: Attachment patterns and psychological coping during the COVID-19 pandemic – the mediation role of intolerance of uncertainty. *The Journal of Social Psychology*, 163(6), 806-825.
- Bateman, A., & Fonagy, P. (2016). *Mentalization based treatment for personality disorders: A practical guide*. United Kingdom: Oxford University Press.
- Bavolar, J., Kacmar, P., Hricova, M., Schrötter, J., Kovacova-Holevova, B., Köverova, M., & Raczova, B. (2023). Intolerance of uncertainty and reactions to the COVID-19 pandemic. *The Journal of General Psychology*, 150(2), 143-170.
- Besharat, M. A. (2011). Development and Validation of Adult Attachment Inventory. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 475-479.
- Besharat, M. A. (2013). Adult Attachment Inventory: Questionnaire, Instruction and Scoring Key. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 9(35), 317-320. [In Persian].
- Besharat, M. A., & Farahmand, H., (2017). The mediating role of difficulties in emotion regulation on the relationship between attachment pathologies and symptoms of depression and anxiety. *Thought & Behavior in Clinical Psychology*, 11(44), 7-16. [In Persian].
- Bouchard, M. A., Target, M., Lecours, S., Fonagy, P., Tremblay, L. M., Schachter, A., & Stein, H. (2008).

- cused approach to the over-regulation of emotion and emotional pain. *Journal of Clinical Psychology*, 57(2), 197-211.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Howe, D., Brandon, M., Hinings, D., & Schofield, G. (1999). *Attachment theory, child maltreatment and family support*. Houndmills, Basingstoke & Hampshire: Macmillan Press LTD.
- Jurist, E. L. (2005). Mentalized affectivity. *Psychoanalytic Psychology*, 22(3), 426-444.
- Jurist, E. L. (2018). *Minding emotions: Cultivating mentalization in psychotherapy*. New York: Guilford Press.
- Karterud, S. (2015). *Mentalization-Based Group Therapy (MBT-G) A theoretical, clinical, and research manual*. United Kingdom: Oxford University Press.
- Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling (4nd ed.)*. New York & London: Guilford Press.
- Luyten, P., Campbell, C., Allison, E., & Fonagy, P. (2020). The mentalizing approach to psychopathology: State of the art and future directions. *Annual Review of Clinical Psychology*, 16(1), 297-325.
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Goarin, A. J. (2006). *Applied multivariate research, design and interpretation*, Thousand Oaks, London & New Delhi: Sage Publications.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25, 6-10.
- Nielsen, S. K. K., Lønfeldt, N., W.-T., Kate B., Hageman, I., Vangkilde, S., & Daniel, S. I. F. (2017). Adult attachment style and anxiety : The mediating role of emotion regulation. *Journal of Affective Disorders*, 218, 253-259.
- Nourian, Z., Pakdaman, S., & Mirzaei, S. (2022). The role of attachment styles in quality of life and loneliness dimensions of adults during corona crisis. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 19(74), 173-184. [In Persian].
- Ouellet, C., Langlois, F., Provencher, M. D., & Gosselin, Mentalization in adult attachment narratives: Reflective functioning, mental states, and affect elaboration compared. *Psychoanalytic Psychology*, 25(1), 47-66.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss, Vol. 1. Attachment*. New York: Basic Books.
- Buhr, K., & Dugas, M. J. (2002). The intolerance of uncertainty scale: Psychometric properties of the English version. *Behaviour Research and Therapy*, 40(8), 931-945.
- Carleton, R. N. (2016). Into the unknown: A review and synthesis of contemporary models involving uncertainty. *Journal of Anxiety Disorders*, 39, 30-43.
- Drogar, E., Fathi-Ashtiani, A., & Ashrafi, E. (2020). The Mediating Role of Mentalization in the Relationship Between Attachment and Emotion Dysregulation with Social Anxiety. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 17(66), 143-154. [In Persian].
- Fonagy, P., Gergely, G., Jurist, E. L., & Target, M. (2002). *Affect regulation, mentalization, and the development of the self*. New York: Other Press.
- Fonagy, P., & Target, M. (2002). Early Intervention and the Development of Self-Regulation. *Psychoanalytic Inquiry*, 22(3), 307-335.
- Freeston, M. H., Rhéaume, J., Letarte, H., Dugas, M. J., & Ladouceur, R. (1994). Why do people worry? *Personality and Individual Differences*, 17(6), 791-802.
- Ghadery, F., Akrami, N., Namdar, K., & Abedi, A. (2023). Investigating the effectiveness of transdiagnostic treatment on maladaptive personality traits and mentalized affectivity of patients with generalized anxiety disorder comorbid with depression: A case study. *Journal of Practice in Clinical Psychology*, 11(2), 117-130. [In Persian].
- Göksu, İ., Ergün, N., Özkan, Z., & Sakız, H. (2021). Distance education amid a pandemic: Which psycho-demographic variables affect students in higher education? *Journal of Computer Assisted Learning*, 37(6), 1539-1552.
- Greenberg, D. M., Kolasi, J., Hegsted, C. P., Berkowitz, Y., & Jurist, E. L. (2017). Mentalized affectivity: A new model and assessment of emotion regulation. *PloS one*, 12(10).
- Greenberg, L. S., & Bolger, E. (2001). An emotion-fo-

- Satici, B., Saricali, M., Satici, S. A., & Griffiths, M. D. (2020). Intolerance of uncertainty and mental well-being: Serial mediation by rumination and fear of COVID-19. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 20, 2731–2742.
- Sayarfard, Z., Azadfallah, P., & Farahani, H. (2021). [Psychometric properties and factor structure of the Persian version of Mentalized Affectivity Scale (Persian)]. *Journal of Birjand University Medical Sciences*, 28(4), 385–401. [In Persian].
- Schwarzer, N. H., Nolte, T., Fonagy, P., & Gingelmaier, S. (2021). Self-rated mentalizing mediates the relationship between stress and coping in a non-clinical sample. *Psychological Reports*, 125(2), 1–21.
- Shaver, P. R., & Mikulincer, M. (2005). Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality. *Journal of Research in Personality*, 39(1), 22–45.
- Sexton, K. A., & Dugas, M. J. (2009). Defining distinct negative beliefs about uncertainty: *Validating the factor structure of the Intolerance of Uncertainty Scale*. *Psychological Assessment*, 21(2), 176–186.
- Uzun, K., & Karataş, Z. (2020). Predictors of academic self-efficacy: Intolerance of uncertainty, positive beliefs about worry and academic locus of control. *International Education Studies*, 13(6), 104–116.
- Wright, C. J., Clark, G. I., Rock, A. J., & Coventry, W. L. (2017). Intolerance of uncertainty mediates the relationship between adult attachment and worry. *Personality and Individual Differences*, 112, 97–102.
- Zdebik, M. A., Moss, E., & Bureau, J. F. (2017). Childhood attachment and behavioral inhibition: Predicting intolerance of uncertainty in adulthood. *Cambridge University Press*, 30(4), 1225–1238.
- P. (2019). Intolerance of uncertainty and difficulties in emotion regulation: Proposal for an integrative model of generalized anxiety disorder. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée*, 69(1), 9–18.
- Parada-Fernández, P., Herrero-Fernández, D., Oliva-Macías, M., & Rohwer, H. (2021). Analysis of the mediating effect of mentalization on the relationship between attachment styles and emotion dysregulation. *Scandinavian Journal of Psychology*, 62(3), 312–320.
- Rettie, H., & Daniels, Jo. (2021). Coping and tolerance of uncertainty: Predictors and mediators of mental health during the COVID-19 pandemic. *American Psychologist*, 76(3), 427–437.
- Sadeghi, M., Hosseini, M., Zamani, R., & Hosseini, M. A. (2022). The relationship of perfectionism dimensions with psychological health: The mediating role of intolerance of uncertainty. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 18(72), 377–390. [In Persian].
- Safari Mousavi, S., Sadeghi, M., & Sepahvandi, M. A. (2022). The Causal Model of Insecure Attachment Style and Traumatic Experiences Mediated by Mindfulness on the Mentalization. *Quarterly Journal of Psychological Methods and Models*, 12(46), 88–98. [In Persian].
- Sahib, A., Chen, J., Cardenas, D., & Caelear, A. L. (2023). Intolerance of uncertainty and emotion regulation: A meta-analytic and systematic review. *Clinical Psychology Review*, 101, 102270.
- Santoro, G., Midolo, L. R., Costanzo, A., & Schimmenti, A. (2021). The vulnerability of insecure minds: The mediating role of mentalization in the relationship between attachment styles and psychopathology. *Bulletin of the Menninger Clinic*, 85(4), 358–384.